

اندیشه اسلامی ۱

دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار

نصرالله یارمحمدی

۱- چرا بحث در اصول دین اهمیت دارد؟

زیرا اساس و زیر بنای تمام حرکات مادی و معنوی هر انسانی اصول عقاید اوست که اگر سالم و صحیح، قوی و بی عیب باشد اعمال و حرکات، افکار و بینش های مختلف او صحیح و شایسته خواهد بود؛ بنابراین کیفیت و کمیت توجه هر انسانی به فروع دین (که برنامه های عملی اسلام است) بستگی به میزان اعتقاد وی به اصول دین دارد.

۲- آثار اعتقاد به دین را به طور فشرده بیان کنید.

۱) دین به زندگی محتوی می دهد، (2) دین رفع تحیر می کند، تحیر از اینکه: کجا بودم - کجا هستم - برای چه هستم - به کجا میروم. (3) انسان ذاتا تشنه و عاشق کمال است و تنها دین است که انسان را به کمال واقعی هدایت می کند (4) آرامش روانی تنها در پناه دین است، انسان فاقد دین همیشه همراه با اضطراب، ترس، ناراحتی، پریشانی و سرگردانی می باشد. (5) تلاش و امید در پناه دین، آنگاه که حوادث سخت و پیچیده در زندگی انسان رخ می دهد و همه درها را به روی خود بسته می بیند و در برابر مشکلات احساس ضعف و ناتوانی می کند تنها ایمان به مبدا و معاد است که به یاری او شتافته و به او نیرو می دهد و در این هنگام می فهمد که تنها نیست و تکیه گاهی بزرگ دارد.

۳- فلسفه عقیده به خدا و پیامبران و امامان چیست؟

در پاسخ این سوال امام رضا (ع) فرمودند: لعل کثیره منها ان من لم یقر بالله عزوجل لم یجتنب معاصیه و لم ینته عن ارتکاب الكبائر و لم یراقب احدا فیما یشتهی و یستلذ من الفساد والظلم.... علت های بسیاری دارد یکی از آنها این است که کسی که معتقد به خدا نیست از گناهان اجتناب نمی کند و مرتکب معصیتهای بزرگ می شود و در انجام هر ظلم و فسادی که برایش لذت بخش است از هیچ کسی حساب نمی برد.

۴- چرا جوامع مذهبی به آثار و فواید دین نرسیده اند؟

روشن است که دین و ایمان اغلب مسلمانان از مرحله اول تجاوز نکرده و در نتیجه ایمان زبانی بدون معرفت و بدون عمل اثر وفایده ای ندارد؛ پس هرکس عمل ندارد، معرفت ندارد؛ در نتیجه آن فواید و آثار هنگامی ظاهر می شود که ایمان به قلب رسیده و از قلب بوسیله عمل در جوارح و اعضا ظاهر شود.

5- فطرت در لغت و در اصطلاح چه معنایی دارد؟

فطرت در لغت به معنای سرشت یا طبیعت و در اصطلاح به معنای غریزه معنوی هر انسان می باشد؛ غریزه ی معنوی یا فطرت یعنی آن چه را انسان خود می یابد و نیاز به فراگیری ندارد.

6- منظور از فطرت در آیه ی «فطرة الله التي فطر الناس علیها» چیست؟

منظور از فطرت در این آیه نوع آفرینش و فطرت پاک توحیدی و سرشت انسان و فطرت خداشناسی می باشد.

7- امام صادق (ع) در جواب مردی که گفت خدا را به من معرفی کن چه فرمودند؟

حضرت فرمودند: «آیا تاکنون کشتی سوار شده ای؟ گفت: آری، فرمود: برای اتفاق افتاده که کشتی دچار سانحه شود و در آنجا نه کشتی دیگری و نه شناگری باشد که تو را نجات دهد؟ عرض کرد آری. حضرت فرمود: آیا در آن هنگام احساس نمودی که هم اکنون نیز قدرتی هست که می تواند تو را از آن ورطه هولناک نجات دهد؟ گفت: آری، فرمود: همان خداست که می تواند تورا نجات دهد آن جا که نجات دهنده ای نیست و به فریاد رسد آنجا که فریادرسی نیست.»

8- یک حدیث از حضرت علی (ع) در باره ی معرفت نفس بنویسید.

قال علی (ع): من عرف نفسه فقد عرف به، هرکس خودش را شناخت خدایش را شناخته است.

9- خلاصه ای از فعالیت‌های روح را بیان کنید؟

اندیشیدن: برای راهیابی به مجهولات و حل مشکلات. (۲) ابتکار: برای رفع نیازهای مختلف، مقابله با حوادث گوناگون، اختراعات و اکتشافات. (۳) حافظه: برای نگهداری انواع معلومات که از طریق حس یا تفکر و اندیشه برای انسان حاصل شده است و بعد طبقه بندی و بایگانی آنها و سپس به هنگام لزوم. (۴) تجزیه و تحلیل مسائل: برای پیدا کردن علل و ریشه های حوادث از طریق جدا کردن مفاهیم ذهنی از یکدیگر و بعد ترکیب آنها با هم و سپس رسیدن به علل و نتایج حوادث. (۵) تخیل: یعنی ایجاد صورتهای ذهنی که احیاناً در خارج وجود ندارد بعنوان مقدمه ای برای فهم مسائل جدید. (۶) تصمیم و اراده: برای انجام کارها، یا متوقف ساختن و یا دگرگون کردن آنها. (۷) محبت و دوستی، دشمنی و دهها پدیده دیگر که در اعمال انسان اثرات مثبت یا منفی دارد.

10- چگونه علم زائیده ی نظم جهان است؟

روشن است که اگر نظم بر جهان حکومت نمی کرد علم در دنیا یافت نمی شد چرا که علوم عبارت از کشف همان نظام و قوانین عمومی است که بر جهان حکمفرماست.

11- اساس برهان نظم چیست؟

۱) جهان هستی بر اساس یک نظام دقیق و حساب شده ای آفریده شده و بر هر ذره ای از موجودات یک سلسله قوانین تغییر ناپذیری حکومت می کند. (۲) هر جا نظم و تدبیر حساب شده ای هست ممکن نیست زائیده رویدادهای تصادفی باشد و حتماً باید از علم و قدرتی سرچشمه گرفته شده باشد؛ نتیجه: نظم و تدبیر جهان آفرینش گواه اینست که صانعی توانا و سازنده ای دانا با محاسباتی دقیق نقشه آن را طرح و سپس کاخ عظیم عالم هستی را بر پایه آن بنا نهاده است.

12- برهان وزیر موحد برای پادشاه منکر چه بود؟

پادشاهی منکر خدا وزیری موجد داشت هر چه وزیر برایش استدلال توحید و خدا شناسی می کرد اثری نداشت تا اینکه بدون اطلاع پادشاه دستور داد در مکانی خوش آب و هوا قصری با شکوه و جالب ساختند و انواع و اقسام درختان میوه و گل‌های مختلف در

آن قرار دادند روزی پادشاه را به بازدید قصر دعوت نمود، پادشاه بسیار خوشش آمد و پرسید مهندس و بناهای این قصر چه کسانی هستند؟ وزیر گفت: پادشاه! این قصر هیچ مهندسی و سازنده ای ندارد ما ناگاه دیدیم این قصر اینجا پیدا شده است پادشاه گفت مرا مسخره می کنی مگر ممکن است چیزی در عالم خودش بوجود بیاید؟ وزیر گفت اگر ممکن نیست این قصر کوچک بدون سازنده باشد چگونه ممکن است این جهان بزرگ با همه عظمتش از آسمان و زمین و دریاها و آنهمه موجوداتی که در آنهاست بدون آفریدگار باشد پادشاه متنبه شد و بر وزیر آفرین گفته و خداشناس گردید.

13- دلایل توحید و یگانگی خداوند را بیان کنید.

۱) خداوندی که کمال مطلق است و هیچ حد و مرز و اندازه ای در او راه ندارد، آفریدگاری که ازلی و ابدی است، پروردگاری که زمان و مکان مخلوق اوست جز یکی نمی تواند باشد اگر به معنای نامحدود و نامتناهی بودن خداوند توجه کنیم می فهمیم که نامحدود جز یکی نمی تواند باشد زیرا تعدد موجب محدودیت و متناهی بودن است. ۲) در جهان نظم واحدی وجود دارد و نظم واحد، دلیل بر ناظم واحد است همان نظامات و قوانینی که دانشمندان ستاره شناس در کرات و کهکشانها می بینند همانا را دانشمندان اتم شناس در دل اتم مشاهده می کنند و همین نظم در سراسر کشور تن و جسم انسان وجود دارد قهرا اگر جز یک منظم وجود داشت نظام عالم به هم می خورد و این است معنای لو کان فیهما الهه الا الله لفسدتا. ۳) اخبار همه انبیاء بر یگانگی خداوند دلیل قاطعی بر واحدانیت اوست، تمام پیامبرانی که از جانب خداوند مامور تبلیغ و ارشاد شده اند او را یگانه خوانده اند قال علی علیه السلام: و اعلم یا بنی انه لو کان لربک شریک لا تتک رسله و لرایت آثار ملکه و سلطانه و لعرفت افعاله و صفاته و لکنه الله واحد کما وصف نفسه. علی (ع) در وصیت به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید: بدان ای پسر من اگر پروردگارت شریک و همتایی داشت رسولان او به سوی تو می آمدند و آثار ملک و قدرتش را می دیدی و افعال و صفاتش را می شناختی اما او خداوندی یکتاست همانگونه که خویش را توصیف کرده است.

14- مراتب توحید را بیان کنید.

۱) توحید ذات ۲) توحید صفات ۳) توحید افعال ۴) توحید در عبادت

15- منظور از توحید افعال چیست؟

منظور از توحید افعال اینست که همه کارها در دو جهان فعل خداوند است و هر موجودی هر خاصیتی که دارد از ذات پاک خداوند است، زیبایی گل، درخشندگی آفتاب و درمان دردها، همه و همه از اوست یعنی هیچ موجودی در عالم از خود استقلال ندارد و موثر مستقل در عالم فقط خداوند است به تعبیر دیگر همانگونه که موجودات در اصل وجود خود وابسته به ذات او هستند در تاثیر و فعل خود نیز چنین هستند.

16- توحید در عبادت را توضیح دهید.

توحید در عبادت لازمه توحید ذات و صفات است زیرا وقتی مسلم شد که واجب الوجود تنها خداست و هر چه غیر اوست ممکن و محتاج و نیازمند است پس عبادت مخصوص اوست و او کمال مطلق است. و غیر از او کمال مطلق وجود ندارد و عبادت هم برای رسیدن به کمال است بنابراین عبادت مخصوص خداوند است سر لوحه دعوت پیامبران مساله توحید در عبادت بوده و قرآن آیات فراوانی در مورد توحید عبادت دارد.

17- چرا عقل به کنه ذات و صفات خداوند نمی رسد؟

زیرا او وجودی است از هر نظر بی نهایت، علم و قدرت و همه صفات خداوند مانند ذات او بی نهایت است و از سوی دیگر ما و هر چه مربوط به ما می شود (علم و قدرت و حیات و زمان و مکانی که در اختیار داریم) همه محدود و متناهی است، بنابراین با این همه محدودیت چگونه می توانیم به کنه آن وجود نامحدود و صفاتش برسیم و چگونه می توانیم به کنه وجودی پی ببریم که هیچ گونه مثل و مانندی ندارد.

18- چرا هنگام دعا دست به آسمان بر می داریم؟

خداوند متعال دوستان و بندگان خود را دستور داده که دستهای خود را به سوی آس مان به طرف عرش بردارند زیرا معدن رزق آنجاست؛ همچنین حضرت علی (ع) فرموده: آیا (در قرآن) نخوانده ای (در آسمان رزق شماست و آنچه به شما وعده داده می شود) پس از کجا انسان روزی را بطلبد جز از محلش، محل رزق و وعده الهی آسمان است.

19- دلیل عقلی عدل خداوند چیست؟

ظلم قبیح است و خداوند حکیم هرگز کار قبیح انجام نمی دهد.

20- عوامل و ریشه های ظلم چیست؟

۱) نیاز: کسی ظلم می کند که برای رسیدن به اموری نیازمند باشد و از راه ظلم بتواند به آنها برسد. ۲) جهل و نادانی: کسی ظلم می کند که زشتی و قبیح بودن ظلم را نداند. ۳) رزائل اخلاقی: کسی ظلم می کند که در وجودش کینه، عداوت، حسد، خودخواهی و هواپرستی باشد. ۴) عجز و ناتوانی: کسی ظلم می کند که از دفع ضرر و خطر از خودش عاجز است و برای رسیدن به هدف راهی جز ظلم ندارد.

21- پاسخ اجمالی که برای حوادث ناگوار هست بیان فرمائید.

وقتی با دلائل عقلی و نقلی ثابت شد که خداوند حکیم و عادل است و تمام آفرینش او از روی هدف و حکمت است و اینکه خداوند هیچگونه نیاز به هیچ کس و هیچ چیز ندارد و از همه چیز آگاه است در نتیجه هیچ کاری بر خلاف حکمت انجام نمی دهد و ظلم که زائیده جهل و عجز است درباره ذات مقدس او تصور نمی شود پس اگر ما نتوانستیم فلسفه حوادث مذکور را بفهمیم باید اعتراف کنیم که این از محدودیت آگاهی ماست، هر کس خداوند را با صفاتش شناخت این پاسخ برایش کافی و قانع کننده است.

22- منظور از حوادث خود ساخته چیست؟

در زندگی مصائب زیادی دامن انسان را می گیرد که عامل اصلیش خود اوست عامل بسیاری از ناکامیها، سستی و تنبلی و ترک تلاش و کوشش است، بسیاری از بیماریها ناشی از شکم پرستی و هوای نفس است، بی نظمیها همیشه عامل بدبختی بوده و اختلاف و پراکندگی همیشه مصیبت زا و بدبختی آفرین است و عجب این است که بسیاری از مردم این روابط علت و معلولی را فراموش کرده و همه را به حساب دستگاه آفرینش می گذارند، علاوه بر اینها بسیاری از نقصها و کمبودها، از قبیل ناقص الخلقه بودن (کور، کر و لال، فلج شدن) بعضی از نوزادان در اثر سهل انگاری پدر و مادر و مراعات نکردن دستورات شرع و امور بهداشتی است، گرچه کودک بی تقصیر است ولی این اثر طبیعی ظلم و جهل پدر و مادر است، (خوشبختانه از پیشوایان معصوم علیهم السلام دستوراتی برای جلوگیری از نقصها رسیده، حتی برای خوش استعداد شدن و یا زیبایی نوزاد دستوراتی فرموده اند).

23- مصائب و گرفتاریهای مظلومین و مومنین برای چیست حدیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان کنید.

از دیدگاه اسلام مصائب و گرفتاریهای مظلومین و یا مومنین به خاطر ترک نمودن نهی از منکر و مبارزه نکردن با فساد و ظالم است، اتقوا فتنه لا تصبین الذین ظلموا منکم خاصه بپرهیزید از فتنه اینکه آثارش فقط برای ستمگران نیست بلکه همه را می گیرد؟ قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لتامرین بالمعروف و لتنهین عن المنکر اولیعمنکم عذاب الله حتما امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه عذاب عمومی خداوند شما را فرا می گیرد.

24- استدراج یا عذاب تدریجی را تعریف کنید.

عن الصادق علیه السلام: اذا اراد الله بعید خیرا فاذنب ذنبا تبعه بنقمه فیذکره الاستغفار و اذا اراد الله بعبد شرا فاذنب ذنبا تبعه بنعمه لینسیه الاستغفار و یتمادی به و هو قال الله عزوجل: (سنستد رجهم من حیث لا یعلمون) بالنعم عند المعاصی هنگامیکه که خداوند خیر و سعادت برای بنده ای بخواهد اگر گناهی کرد او را به ناراحتی مبتلا می کند و استغفار را به یاد او می آورد و زمانیکه برای بنده ای (بر اثر طغیانگری او) شری بخواهد اگر گناهی کرد نعمتی به او می دهد تا استغفار را فراموش کند و به راه خود ادامه دهد و این همان چیزی است که خداوند فرموده: ما آنها را از آنجا که نمی دانند تدریجا به سوی عذاب می بریم به اینگونه که هنگام معصیت به آنها نعمت می دهیم.

25- چرا مومنین در دنیا گرفتار بلاها و مصیبتها می شوند؟

بلاها و مصائب مومنین باعث زیاد شدن درجاتشان و گاهی برای تنبه و بیداری آنها و در مواردی کفاره گناهان آنهاست که تمامش لطف خداوند بر مومنین است؛ و عن الصادق علیه السلام: لا تزال الغموم و الهموم بالمومن حتی لا تدع له ذنبا از امام صادق علیه السلام نقل است که: مومن همیشه گرفتار غم و غصه است تا برایش گناهی نماند.

26- آزمایش خداوند از بندگان برای چیست؟

این آزمایش جهت آگاهی خداوند از وضع ما نیست زیرا خداوند از ابتدا بر همه چیز آگاه است بلکه آزمایش جنبه پرورشی دارد یعنی آزمونهای الهی وسیله تکامل و پرورش روح و جسم انسان و از طرف دیگر استحقاق پاداش و کیفر بعد از امتحان است.

27- خلاصه و نتیجه فلسفه مصائب را بیان کنید.

بسیاری از اشکالات در مورد عدل به خاطر جهل و درک نکردن فلسفه وقایع و مصائب است مثلاً خیال می‌کنیم مرگ نابودی است و اشکال می‌گیریم که چرا فلانی جوان مرد و ناکام شد؟، خیال می‌کنیم دنیا جای ماندن است و می‌گوییم چرا سیل و زلزله عدای را نابود کرد؟، و فکر می‌کنیم دنیا جای آسایش است و می‌گوییم چرا گروهی محرومند؟ مانند کسی که در کلاس شروع به ایراد و اشکال می‌کند که چای چطور شد؟ چرا غذا نمی‌آورند؟ چرا رختخواب نیست؟ که فقط باید به او گفت اینجا کلاس درس است نه سالن پذیرائی! در نتیجه بهترین راه برای حل اشکالات شناخت دنیا و پی بردن به هدف از آفرینش موجودات است.

28- آثار اعتقاد به معاد را بیان کنید.

۱) ایمان و اعتقاد به معاد به زندگی انسان مفهوم می‌بخشد و زندگی این جهان را از پوچی در می‌آورد. ۲) اعتقاد به معاد انسان در روند تکاملی خویش قرار داده و او را از تحیر و سرگردانی نجات می‌دهد. ۳) ایمان به معاد ضامن اجرای تام قوانین الهی، احقاق حقوق می‌گردد و به انسان در برابر سختیها نیرو می‌بخشد. ۴) اعتقاد به معاد انگیزه اصل یتهدیب نفس، عمل به تکالیف شرع، فداکاری و ایثار می‌باشد. ۵) ایمان به معاد روح دنیا پرستی را که ریشه همه خطایا و جنایات است از بین می‌برد و خود عامل ترک گناه است.

29- زندگی کسی که اعتقاد به معاد ندارد چگونه است؟

زندگی دنیا برایشان پوچ و بی‌محتوان و تکراری است اگر زندگی دنیا را بدون جهان دیگر در نظر بگیریم درست مانند این است که زندگی دوران جنین را بدون زندگی این دنیا فرض کنیم که چیزی جز یک زندان تاریک نخواهد بود، راستی اگر انتهای این دنیا فنا و نیستی همیشگی باشد چقدر تاریک و وحشتناک است حتی مرفه‌ترین زندگی پوچ و بی‌معنی خواهد بود! پس برای چه زنده ایم؟ خوردن غذا، پوشیدن لباس، کار و تلاش، این زندگی تکراری را دهها سال ادامه دادن که آخر چی؟ آیا واقعا این آسمان گسترده، این زمین پهناور این همه تحصیل علم و اندوختن تجربه و این همه استادان و مربیان همه برای چند روز زندگی و سپس نابودی همیشگی است؟! اینجاست که پوچی زندگی برای آنها که عقیده به معاد ندارند قطعی می‌شود.

30- چگونه آفرینش نخستین دلیل معاد می‌شود؟

یادآوری آفرینش نخستین: هو الذی یبدا الخلق ثم یعیده و هو اهلون علیه (خداوندیکه ایجاد نمود آفرینش را سپس آنها را بر می‌گرداند و بازگرداندن برای خدا آسان است)؛ با توجه به آفرینش نخستین و خلقت انسانها بازگردان دوباره آنها برای خداوند متعال آسان

است یعنی برای خداوندی که قدرت بی نهایت دارد همه چیز آسان است (آفریدن در مرتبه اول و بازگرداندن آنها در قیامت یکی است).

31- چگونه قدرت خداوند دلیل معاد است آیه ای در این مورد بیان کنید؟

او لم یروا ان الله الذی خلق السموات و الارض و لم یعی بخلقهن بقادر علی ان یحی الموتی بلی انه علی کل شیئی قدیر (آیا ندانستند خداوندیکه آسمانها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها ناتوان نشد قادر است مردگان را زنده کند آری او بر همه چیز توانا است). او لیس الذی خلق السموات و الارض بقادر علی ان یخلق مثلهم بلی و هو الخلاق العلیم (آیا کسیکه آسمانها و زمین را آفرید قدرت ندارد همانند آنها را بیافریند؟! آری او آفریدگار داناست).

32- برهان عدالت برای اثبات معاد چیست؟

عدالت پروردگار اقتضا می کند که پس از این جهان قیامتی باشد و حساب و جزائی بوده باشد که به همه این برنامه ها رسیدگی شود. ام حسب الذین اجترحو الیثات ان نجعلهم کاذین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون و خلق الله السموات و الارض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون (آیا کسانی که مرتکب گناه شدند گمان می کنند که ما آنها را همچون کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند قرار می دهیم که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می کنند و خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزاء داده شود و به آنها ستمی نخواهد شد).

33- چگونه از راه فلسفه آفرینش اثبات معاد می کنید؟

در قرآن حدود صد مرتبه خداوند به کلمه حکیم توصیف شده است و ما نشانه های حکمت خداوند را در همه جهان هستی مشاهده می کنیم، حال اگر چنین فرض کنیم که مرگ برای انسان پایان همه چیز است و اگر بعد از این جهان قیامتی نباشد آفرینش پوچ و عبث و بیهوده خواهد بود و هرگز خداوند حکیم کار عبث نمی کند آیا صحیح است که کسی فکر کند آن همه حکمتی که در خلقت جهان هستی بکار رفته عبث بوده و نهایت هستی، نیستی و فنا باشد؟ آیا باور کردنی است که خداوند سفره ای به اندازه جهان هستی بگستراند و همه وسائل را برای انسان فراهم کند و سپس با مردن همه چیز تمام شده و سفره برچیده شود؟! ربنا ما خلقت هذا باطلا (خداوند این جهان هستی را پوچ و باطل نیافریدی). در نتیجه ایمان به خداوند علیم و حکیم مساوی با ایمان به زندگی پس از مرگ است یعنی هر کس معتقد به توحید بود حتما معتقد به قیامت نیز خواهد بود.

34- داستان عزیر یا ارمیای پیغمبر علیه السلام را بیان کنید.

(ارمیای عزیر از کنار قریه ای گذشت که خراب و ویران شده بود با تعجب گفت خداوند چگونه این مردگان را زنده می گرداند پس خداوند او را صد سال می میراند سپس او را زنده کرد و پرسید چقدر درنگ کرده ای گفت یک روز یا قسمتی از روز را، خدا فرمود بلکه صد سال است که تو در اینجایی نگاه به غذا و نوشیدنی خود کن که از بین نرفته و

نگاهی به الاغ خود کن که چگونه از هم متلاشی شده تا قرار دهیم تو را نشانه ای برای مردم (درباره معاد) اکنون به استخوانها نگاه کن که چگونه آنها را برداشته و به آن گوشت می پوشانیم چون این مطلب برای او روشن شد گفت می دانم که خداوند بر همه چیز توانا و قادر است).

35- داستان حضرت ابراهیم علیه السلام را بیان کنید؟

(ابراهیم گفت خدایا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ خداوند فرمود مگر ایمان نیاورده ای عرض کرد چرا ولکن می خواهم قلبم آرام شود فرمود چهار نوع مرغان (خروس، طاوس، کبوتر، کلاغ) را انتخاب کرده و پس از ذبح آنها را به سوی خود بخوان که به سرعت به سویت می آیند و بدان که خداوند توانای دانا است).

36- داستان مقتول بنی اسرائیل را بیان کنید.

یک نفر از افراد سرشناس بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته شد برای پیدا کردن قاتل بین بنی اسرائیل اختلاف شد و هر قبیله ای به دیگری نسبت می داد نزدیک بود فتنه بزرگی برپا شود آنها از حضرت موسی علیه السلام کمک خواستند او هم با استمداد از الطاف خداوند دستور داد گاوی را سربریدند و قسمتی از آنرا بر بدن مقتول زدند او برای لحظه ای زنده شد و قاتل را معرفی کرد و در ضمن دلیلی برای معاد و زنده شدن مردگان شد.

37- قرآن درباره بقاء روح چه می گوید آیه ای بیان کنید؟

بقاء و استقلال روح: و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون (هرگز گمان نبرید که آنهائیکه در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند). و لاتقولوا بقتل فی سبیل الله اموات بل احياء و لکن لاتشعرون (و به آنهائیکه در راه خدا کشته می شوند مرده نگوئید بلکه آنها زنده هستند ولی شما نمی فهمید). قل یتوفاکم ملک الموت الذی و کل بکم ثم الی ربکم ترجعون (بگو فرشته مرگ که بر شما مامور شده جان شما را می گیرد سپس به سوی پروردگارتان باز می گردید).

38- دلائل عقلی استقلال روح را بیان کنید؟

۱) ما بالوجدان احساس می کنیم که (من) متفکر و مرید و مدرک غیر از فکر و ادراک است به دلیل اینکه می گوئیم فکر من - درک من - اراده من - پس من غیر از فکر و اراده و درک هستم و اینها از (من) است و بالوجدان درک می کنیم که من غیر از مغز و قلب و اعصاب هستم این (من) همان روح است. ۲) هرگاه انسان خود را از تمام بدن غافل کند و همه اعضایش را از خود منقطع فرض کند باز هم می یابد که هست با آنکه اجزاء بدن نیست و این وجود روح است که مستقلا می تواند باشد. ۳) وحدت شخصیت در طول عمر: این (من) از اول تا آخر عمر یکی است این (من) همان من ده سال قبل است و پنجاه سال بعد هم اگر چه علم و قدرت و زندگی من تکامل باید ولی همان من هستم، با اینکه علم ثابت کرده است که در طول عمر بارها سلولهای بدن حتی سلولهای

مغز تعویض می گردد، در هر شبانه روز میلیونها سلول در بدن ما می میرند و میلیونها سلول دیگر جانشین آن می شود (مانند استخر بزرگی که از یک طرف آب وارد می شود و از طرف دیگر خارج می شوند بدیهی است که آبهای استخر مرتب عوض می شود اگرچه افراد ظاهربین توجه نداشته و آنرا همیشه به یک حال می بینند).

39- درباره چگونگی حیات بعد از مرگ چه نظریاتی وجود دارد؟

آیا حیات بعد از مرگ روحانی است؟ یعنی بدن می پوسد و متلاشی می شود و زندگی آخرت تنها مربوط به روح است و یا فقط جسمانی است و روح هم از خواص و آثار جسم است؟ یا اینکه روحانی و نیمه جسمانی است (جسم لطیفی که برتر از این جسم دنیوی است)؟ و یا زندگی پس از مرگ هم با جسم مادی و هم روح است و بار دیگر با یکدیگر متحد شده و حاضر می شوند؟

40- حیات بعد از مرگ چگونه است؟ یک دلیل قرآن بیاورید.

آیاتی از قرآن، و احادیث فراوانی دلالت دارد که معاد جسمانی و روحانی است: و در این مورد جای هیچ تردیدی نیست. ۱) در موارد متعددی قرآن به منکرانی که می پرسیدند چگونه ما وقتی خاک شدیم و یا به صورت استخوانهای پوسیده در آمدیم زنده می شویم؟ پاسخ می گوید که در بخش استدلالهای قرآن برای معاد بیان کردیم (مانند سوره یس آیه ۸۰) که با صراحت معاد جسمانی و روحانی را تبیین می کند. ۲) نمونه دیگر آیه ۳ و ۴ از سوره قیامت که می فرماید: آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد، آری قادریم که حتی خطوط سر انگشتانش را مرتب کنیم. که قدرت خداوند بر جمع استخوانها و تسویه سر انگشتان دلیل دیگری بر معاد جسمانی و روحانی می باشد.

41- نمونه هایی از معاد جسمانی و روحانی که در همین دنیا اتفاق افتاده بیان کنید.

آیاتی که نمونه هایی از معاد را در همین دنیا به صورت جسمانی و روحانی ثابت می کند مانند داستان حضرت ابراهیم و مرغهای چهارگانه که زنده شدند (سوره بقره آیه ۲۶۰)، داستان مقتول بنی اسرائیل که زنده شد (سوره بقره آیه ۷۱)، داستان عزیر یا ارمیای پیغمبر (ع) (سوره بقره آیه ۲۵۹)، داستان حزقیل پیغمبر و زنده شدن گروهی کثیر بعد از مرگشان که در سوره بقره آیه ۲۴۴ به آن اشاره شده، زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) (که در سوره مائده آیه ۱۱۰ و آل عمران ۴۸ آمده است) و زنده شدن هفتاد نفر بعد از مرگشان در زمان حضرت موسی (ع) (بقره آیه ۵۵) همه اینها دلائل محکمی برای جسمانی و روحانی بودن معاد است.

42- انسان در لحظه مرگ چه می بیند؟

۱) دیدن ملک الموت و ملائکه دیگر. ۲) مشاهده پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام. ۳) دیدن جایگاه خود در بهشت یا دوزخ. ۴) تجسم اعمال و توجه به پرونده عمر گذشته. ۵) تجسم اموالی که جمع کرده. ۶) تجسم اولاد و خویشان و دوستان. ۷) تجسم شیطان.

43- هر انسان از تولد به بعد چند دوره را می گذراند؟

۱) دوران تولد تا مرگ که عالم دنیا است. ۲) دوره مرگ تا برپایی قیامت که به آن عالم برزخ گفته می شود. ۳) قیامت کبری. ۴) بهشت یا دوزخ.

44- برزخ یعنی چه و چه دوره ای است؟

برزخ به معنای فاصله و حائل بین دو چیز است، در اینجا منظور از برزخ جهانی اتس که بین دنیا و آخرت است. هنگامی که رو از بدن جدا می شود (قبل از آنکه بار دیگر در قیامت به بدن اصلی برگردد) در یک جسم لطیفی که به آن بدن مثالی می گویند قرار می گیرد و تا برپا شدن قیامت با او خواهد بود.

45- قرآن درباره برزخ چه می گوید؟ آیه ای بنویسید.

حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلى اعمل صالحا فيما تركت كلا انها كلمه هو قائلها و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (زمانی که مرگ یکی از آنها می رسد می گوید: پروردگار من! مرا بازگردان شاید عمل صالحی در آنچه ترک کردم انجام دهم، چنین نیست این سخنی است که او به زبان می گوید و پشت سر آنها برزخ است تا روزی که مبعوث شوند)؛ (این آیه صریحا به برزخ اشاره کرده است).

46- منظور از نفخ صور چیست و چه زمانی واقع می شود؟

از مجموع آیات مذکور استفاده می شود که پایان این دنیا و آغاز جهان دیگر به صورت ناگهانی و با یک صیحه عظیم رخ می دهد و عناوین مذکور همه کتابی می باشد (نفخ به معنای دمیدن و صور به معنای شیپور است)، البته روشن است این حادثه ای عظیم بوده و دمیدن در یک شیپور عادی نیست بلکه صیحه ای عجیب می باشد که خداوند بزرگ با یک فرمان به سادگی دمیدن در یک شیپو اهل آسمان و زمین را می میراند و با فرمانی دیگر همه را برای برپا شدن قیامت زنده می کند، فاصله این دو فرمان برای ما معلوم نیست؛ «می گویند چهل سال است»

47- امام باقر (ع) درباره نامه عمل چه می فرمایند؟

امام باقر (ع) در تفسیر آیه ۱۳ از سوره اسراء (نامه عمل هر انسانی را بر گردنش قرار می دهیم) می فرماید: خیره و شره معه حیث کان لا یستطیع فراقه حتی یعطی کتابه یوم القیمه بما عمل (خیر و شر انسان به گونه ای همراه اوست که نمی تواند از آن جدا شود تا اینکه کتابش را که حاوی آنچه عمل کرده به او می دهند).

۱- شاهدان قیامت چه کسانی هستند؟ بطور فشرده بیان کنید.

۱) خداوند: ۲) انبیاء و امامان (ع ۳) فرشتگان (۴) زمین: ۵) زمان (شب و رو ز) ۶) اعضاء و جوارح انسان. ۷) حضور خود عمل (تجسم عمل که فوق شهادت است).

48- میزان یعنی چه و میزان قیامت چیست؟

میزان وسیله سنجش است، میزان هر چیز مناسب با همان چیز است؛ وزن عبارت از عدل در آخرت است و اینکه به احدی ظلم نمی شود یا مراد از وزن ظهور مقدار عظمت و ارزش مومن، و ذلت و بی ارزشی کافر است.

49- در قیامت از چه چیزهایی سوال می شود؟

رسول خدا فرمودند: در قیامت هیچ بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد تا از چهار چیز بازپرسی شود از عمرش که در چه راهی صرف کرده و از جوانیش که در چه راهی آنرا از دست داده؟ و از مالش که از کجا آورده و در چه راهی مصرف کرده؟ و از محبت ما (اهلیت).

50- از نظر پیغمبر اکرم (ص) فقیر و مفلس کیست؟

روزی رسول گرامی اسلام (ص) خطاب به مردم فرمودند: می دانید فقیر و مفلس کیست؟ عرض کردند: ما به کسی که مال و منال ندارد مفلس می گوئیم، حضرت فرمودند: مفلس امت من کسی است که با داشتن نماز و روزه و زکات وارد محشر می شود اما کسانی را دشنام یا نسبت ناروا داده و به مال بعضی تجاوز کرده و به بعضی کتک زده ... برای جبران گناهانش از حسناتش به این و آن می دهند اگر حسناتش تمام شود از گناهان صاحبان حق به حساب او می گذارند سپس او را در آتش می اندازند.